

Investigation of mysticism in Shiism and orthodox Christianity

Abulfazl Tajik¹ | Seyyed Zaher Hoyda²

1. Dr. Abulfazl Tajik, Assistant Professor of the Department of Mysticism and Religions, Ahlul Bayt International University; a.tajik@abu.ac.ir

2. Seyyedzaher Hoyda, PhD student of Religions and Mysticism, Ahl al-Bayt International University ; howaidasayedzaher@gmail.com

ARTICLE INFO

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Article History:

Received July 1, 2023

Revised September 8, 2023

Accepted December 14, 2023

Publication January 15, 2024

Keywords:

Irfan,
Sufism,
Shia,
Christianity,
orthodox.

ABSTRACT

Irfan means knowing. In the term, the phrase is a state of knowledge that is obtained through the concentration of inner and self; which cannot be grasped through sense and reason; Rather, he achieved this knowledge and revelation through the process of conduct, these revelations and observations are the truth without any intermediary. Those who have been able to achieve this knowledge are called mystics. The root of this is in the book, the tradition and the holy texts of Sari. This research is trying to answer which aspects of mysticism in Shiism and Orthodox Christianity are common and in which cases are they different from each other? The purpose of this research is to discover the common points and differences of this issue in these two religions. This research has proved the common points and differences of mysticism in these two religions from the analytical and descriptive method to the

library research method. Mysticism in these two religions is similar in some cases and different in some cases according to documents, writings and traditions. By exploring and according to documents and scriptures; Mysticism has a special place in these two religions. In Shiism, mysticism is the same as this religion, and in Orthodoxy, all human beings are considered to be in the shadow of mysticism.

بررسی عرفان در تشیع و ارتدکس مسیحیت

ابوالفضل تاجیک^۱ | سیدظاهر هویدا^۲

۱. نویسنده مسئول ابوالفضل تاجیک، استادیار گروه عرفان و ادیان دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام :

a.tajik@abu.ac.ir

۲. سیدظاهر هویدا، دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام :

howaidasayedzahir@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ های مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ کلیدواژه: عرفان، تصوف، تشیع، مسیحیت، ارتدکس.	عرفان عبارت از شناختن هست. در اصطلاح عبارت حالت معرفتی است که از راه تمرکز باطن و نفس به دست می آید؛ که از طریق حس و عقل به چنگ نمی آید؛ بلکه با سیرو سلوک به این معرفت و مکاشفه دست یافت، این مکاشفات و مشاهدات بدون کدام واسطه به وجود حق است. کسانی که توانسته به این معرفت دست یابند و می یابند عارف گفته می شود. ریشه این در کتاب، سنت و متون مقدس ساری جاری است. این تحقیق درصدد این پاسخ هست که عرفان در تشیع و عرفان ارتدکس مسیحیت در کدام وجهها مشترک و در کدام موارد خویش از هم متمایزند؟ هدف این تحقیق کشف نقاط مشترک و تمایزات این موضوع در این دو مذهب هست. این تحقیق از روش تحلیلی و توصیفی به روش تحقیق کتابخانه ای به اثبات نقاط مشترک و تمایزات عرفان در این دو مذهب پرداخته است. عرفان در این دو مذهب بنا به مستندات، مکتوبات و سنت ها در بعضی از موارد هم سوسوست و در بعضی از موارد از هم فرق دارد. با کنکاش و با توجه به مستندات و متون مقدس؛ عرفان در این دو مذهب از جایگاهی ویژه برخوردار است. در تشیع عرفان را عین این مذهب و در ارتدکس نیز همه بشر را در سایه عرفان می دانند.

عرفان عبارت از شناختن است، در اصطلاح عبارت است تمرکز باطن و نفس می باشد که به واسطه حس و عقل به دست نمی آید؛ بلکه به واسطه سیر و سلوک و تزکیه نفس به چنگ می آید. عرفان اسلامی به دو قسم است یک عرفان نظری و عرفان عملی. عرفان نظری از اسماء و صفات حق و ربط آن با عالم بحث می نمایند؛ و عرفان عملی به سیر و سلوک و مقامات عرفانی است که از طریق علوم اکتسابی کسب نمی شود؛ بلکه از طریق تزکیه نفس می توان به دست یافت. آنان که به سیر و سلوک دست زدند و به معرفت نیز دست یافته عارف گفته می شود. اساسی ترین حالات عرفانی: مشاهدات و مکاشفات یک عارف می باشد. در عرفان اسلام به خصوص، عرفان یهودیت و مسیحیت دستورات ارائه شده است که به واسطه آن می توان به آن مقامات نائل شد. در عرفان اسلامی و مسیحیت عرفا از معرفت های معمولی و معنوی دست می یابند به واسطه زهد و اعراض بر تجمل گرایی و تجمل گرایی و دنیا گرایی به همراه ذکر و نیاش توجه به ساحت مقدس حق نائل می شوند از همین رو عرفا از جمله کسانی است که متدینان و الگوی دیگران در جامعه خود می باشد. البته تمایزات نیز با یکدیگر در سیر و سلوک و تبیین سایر موارد باهم دارند؛ که این تحقیق درصدد آن است تا این اشتراکات و تمایزات را برجسته و روشن سازد. البته پژوهشگران زیادی در این امر معنوی در ادیان ابراهیمی دست زدند؛ به نظر نویسندگان تابه حال کدام تحقیق تحت عنوان بررسی عرفان تشیع و ارتدکس مسیحیت صورت نگرفته است. البته به صورت جداگانه موجود است. مقالات و کتاب های زیادی در این مورد در دسترس می باشد. بنا این موضوع به صورت تطبیقی بررسی نشده و نیازمند بررسی است. همچنان مکتوبات و مقالات که در رشته تحریر درآمده است عبارت است از: عرفان و رهبانیت در مسیحیت، دکتر فرهاد ادربیسی. در این مقاله علمی پژوهشی عرفان مسیحیت را از با سیر و تاریخی و گسترش رهبانیت را مورد بررسی قرار می دهد. مقایسه دیدگاه عرفان مذهب ارتدکس و طریقه کبرویه درباره رؤیت و شهود خداوند از سید نادر محمد زاده به تحریر درآمده است که در این قطره اکیلی شهود را در مذهب ارتدکس و طریقه کبرویه مورد بررسی قرار می دهد. سیر تاریخی تأثیر عرفان در تعمیق اندیشه های شیعی از محمدحسن وکیلی که در این

پژوهش از سیر تاریخی و عرفان و تأثیر آن را به تشیع مورد بررسی قرار داده است. همچنان متون عرفانی زیادی را می‌توان یافت که در مورد عرفان در ادیان ابراهیمی بحث نموده است؛ که یاد سیاهه آن در اینجا غیرممکن می‌باشد. در بحث پیش رو سؤالات نیز مطرح می‌باشد: عرفان شیعی با عرفان ارتدکس در کدام موارد مشترک و در کدام موارد باهم تمایز دارند؟ عرفان انسان کامل در تشیع و عرفان ارتدکس باهم شباهت دارند یا خیر؟ عرفان در تشیع شریعت محور می‌باشد در ارتدکس چه گونه می‌باشد؟ که با این محورها بحث را دنبال خواهیم نمود.

■ مبانی نظری

عرفان «هو العلم بالله سبحانه ممن حيث اسماء و صفاته و مظاهره و احوال المبدء و المعاد و بحقایق العالم و بكفیفیه رجوعها الى حقیقه واحده هی ابذات الاحدیه و معرفه طریق السلوم و المجاهده لتخليص النفس عن مشایق القيود الجزئیه و اتصالها الى مبدء ها و اتصافها بنعت الاطلاق موالکلیه» (قیصری، ۱۳۵۷، ص ۱۰)

«عرفان عبارت از معرفت بر حالت است که توصیف نمی‌توان از آن کرد. در آن حالت برای انسان این احسان دست می‌دهد که ارتباط مستقیم و بی‌واسطه باوجود خداوند یافته‌اند. برای کسانی که به چنین معرفت دست می‌یابد عارف گفته می‌شود.» (زرین کوب، ۱۳۹۴، ص ۱۰) از دیدگاه موحدیان «بینش واقعیت وحدانی و باطنی هستی که در آغاز کیفیتی بسیط، اجمالی مبهم و ناخدا آگاه دارد و طی فرآیندی معرفتی انفسی الا را معرفت شهودی‌ای متمایز تفصیلی و واضح می‌گردد.» (موحدیان، ۱۳۹۷، ص ۴۳۳) اکثراً ریشه عرفان را قرآن کریم و سنت پیامبر گرامی اسلام می‌دانند. از آیات و روایات نیز آن را استنباط می‌نمایند. همه‌ای مسلمانان از اوایل آشنایی به صورت اجمالی داشتند. باگذشت زمان آشنایی مفصل نیست به عرفان پیدا نمودند. (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۲۱۶) عرفان در نزد عرفان بر دو نوع است: عرفان عملی و عرفان نظری. عرفان عملی عبارت از عرفان عملی روابط و خود سالک و جهان و حق را بیان می‌نماید. به نام سیرو سلوک یاد می‌شود. عرفان عملی دارای حالات و مقامات است که از مقام یقظه آغاز تا به فنای بعد از فنا یعنی آخرین منزل است بیان می‌شود.

امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ عرفان عملی را عبارت از ریاضت سیر و سلوک و عبور از حال‌های ظلمانی و نورانی از وجه حقیقی به رؤیت ذل حق به شمار می‌آورد (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۱). «عرفان نظری همانند سایر علوم به مباحث می‌پردازد، ازجمله تبیین و کنکاش به مسئله معرفت، تلاش می‌نماید تا بشر را یک اندازه از شناخت و اسماء و صفات و افعال حق و ربط آن بر عالم را برساند» (جواد آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۵). در عملی «عرفان عملی علم سیرو سلوک و آداب و اعمالی است که فرد رعایت و التزام به آن‌ها می‌تواند شهود حقایق هستی برسد. اساس و حقیقت عرفانی نظری را روش و سیرو سلوک عرفان عملی تشکیل می‌دهد» (یزدان پناه، ۱۳۸۹، ص ۶۶).

ابن‌سینا عرفان را جداسازی ذات از سواغل آغازشده با دست افشاندن به این عالم ادامه می‌یابد، با دست شستن از خود و سرانجام با فنا و نمودن خویش رسیدن به درجه بقای بعد از فنا برای صفان ذاتی حق که بابا صدق نیت همراه پیش رفته تا جای که با تخلق به اخلاق رب رسیدن به حقیقت که با وقف به درجه کمال می‌رسد. (عرفان نظری، اشارات نمط نهم)

عرفان را در لغت شناخت مطلق را می‌گویند. در اصطلاح «به شناخت ویژه‌ای اطلاق می‌شود که از راه حس و تجربه با عقل و نقل به چنگ نی‌آید؛ بلکه از راه شهود درونی و دریافت باطنی حاصل می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۳۳)

سیر عرفان در تشیع

هرزمانی سخن از سیر عرفان به میان می‌آید اذهان ما متوجه سیر تاریخی آن می‌شود؛ زیرا عرفان سیر تاریخی ندارد بلکه ما عرفا را بر اساس تاریخ تولد و تمام ابعاد زندگی آنان را مطابق باز زمان و مکان موردبررسی قرار می‌دهیم. البته این نوع قبطبه بندی را عده کثیری از محققین انجام داده است. اما چیزی خلی‌ها حائز اهمیت است تحولات و سیر تکاملی عرفان می‌باشد که اکثراً توجه آن‌چنانی بران نمی‌نمایند. این یک چیزی مسلم آیت که عرفان و تصوف از آغاز و تا عصر حاضر دارای مراحل و ادوار مختلف را پیموده است که قطعاً دارای مراحل است که دارای ترتیب موردبررسی قرار خواهد گرفت؛ که عبارت است از: زمینه شکل‌گیری عرفان، ریشه‌های عرفانی و مؤلفه‌های آن.

زمینه شکل‌گیری عرفان

مطابق به متون عرفا گفته می‌توانم که یکی از زمینه‌های شکل‌گیری عرفان و تصوف را قرآن، سنت و عترت اهل‌بیت تشکل می‌دهد. ابن‌سینا نیز سه مورد را در نمط نهم اشارات آورده است. عابد و زاهد و عارف را به صورتی تکاملی در طول هم قار داده این به این معنا که برای عابد کسی که خداپرست باشد. زاهد کسی که در بدل بندگی پاداش اخروی را طالب است. عارف را تصریح نمی‌نماید. پیدایش عرفان را زهد دانسته است؛ آنان که آخرت را بر دنیا ترجیع داده است. یکی از عوامل پیدایش عرفان و تصوف را رفتارهای دنیا دوستانه حکمای اموی و عباسی دانسته است. اگر به تاریخ مراجع شود این دنیادوستی و طمع آن کاملاً مشخص است. این عوامل تعرض بر روش دربارها وابسته به خلفای اموی و عباسی بود. این جریان از زمان خلیفه سوم اموی آغاز گردیده روش او کسانی که در اطراف او بودند مورد اعتراض جمعی از مؤمنان قرار گرفته بود که جواب آن را با زهدگرایی انجامید. (یثربی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲)

یکی از موضوع که باعث پیدایش عرفان و زمینه را مساعد ساخت موضوع برتری آخرت بر دنیا بود. همه به این باورند که دنیا با آخرت جمع نمی‌شود، بنا یا دنیا یا آخرت را دنبال کرد؛ زیرا هر دنبال‌لذایذ دنیا باشند نمی‌توانند از سعادت آخرت بهره‌مند شود. همچنان که در قرآن کریم نیز آمده است.

«قل متاع الدنيا قليل و الاخره خير لمن اتقى» (نساء، ۳۳)

یعنی: «بگو سرمایه دنیا ناچیز بوده و آخرت بار پرهیزکاران نیکوکاران نیکوتر است»

«فما متاع الحياه الدنيا في الاخره هي القليل» (توبه، ۳۸)

یعنی: «سرمایه دنیا در قیاس به آخرت ناچیز و بی‌مقدار است»

«ياقوا انما هذه الحياه الدنيا متاع و ان الاخره هي درا القرار» (غافر، ۳۸)

یعنی «دی‌قو سرمایه دنیا ناپایدار و تنها زندگی آخرت پایدار است»

آیات متعدد در قرآن وجود دارد که می‌تواند برتری آخرت را بر دنیا ذکر نموده است.

همچنان تضاد دنیا و آخرت را بیان می‌نماید.

عوامل دیگر که زمینه عرفان را مساعد ساخت مبارزه با هواهای نفسانی است. این

مسئله نیز در متون اسلامی موجود است. که مورد تأکید ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز هست

چنان امام علی علیه السلام می‌فرماید: «پیامبر گرامی اسلام عده‌ای را در جنگ فرستاد بعد از بازگشت از جنگ فرمود آفرین بر شما طایفه که جهاد اصغر را انجام داده‌اید و جهاد اکبر را در پیش دارید.» آنان گفتند جهاد اکبر چیست؟ پیامبر گرامی اسلام فرمود: «جهاد اکبر جهاد با نفس است.» یا می‌فرماید: «دشمن‌ترین دشمن تو نفس توست»

امری دیگری که زمینه عرفان و تصوف را مساعد نمود مسئله اخلاص می‌باشد. هم احادیث زیادی بران تأکید دارد هم آیات قرآن کریم بر آن دلالت دارد: «وما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين» (البینه، ۵) یعنی «آن‌ها مأمور نیستند جز به این که خدا را به اخلاص در دین پرستند»

دیده می‌شود که اخلاص در عمل به عنوان یکی از سرچشمه‌های معرفت و حکمت مطرح می‌باشد؛ زیرا پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «من اخلص الله اربعين يوما ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه» معنای اخلاص این می‌تواند باشد که در هنگام عبادت به جز حق چیزی را در نظر نداشته باشیم. معنای عرفانی آن نیز پرستش حق است اگر رفتند به جنت البرین و رهایی از دوزخ باشد. در عبادت جز او کسی را در نظر نداشته باشیم.

اما عرفان از تشیع است، چنان‌که اشخاص بودند که به تمام معنی عابد و زاهد واژ جمله اصحاب نزدیک و از تابعان حضرت بوده است؛ که می‌توانیم از عبدالله بن عمر، سلمان فارس، معاذ بن جبل، ابوذر، حارثه، حنظله، انس بن مالک/ف حذیفه، عبدالله بن جهش، بلال را نام برد. از کسانی که عارف است از ویس قرنی می‌توانیم نام برد که از یمن به دیدار حضرتش آمد اما او را ملاقات ننمود و برگشت؛ که از جمله تابعین به شمار می‌رود (یثربی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰).

❖ ریشه‌های عرفانی در شیعه

در این مورد نظریات زیادی مطرح است. عده کثری به این باورند که عرفان و شیعه از یک سرچشمه رشد یافته است. عده‌ی هم دیدگاه افراط گریان نیز دارد. نگاهی دیگری در این دو نگاه وجود دارد. نخست کسانی می‌باشد، علاوه بر گرایش شیعی به عرفان نیز نظر لطف دارند. باورمند است که عرفان از شیعیان است که از دل آن بیرون آمده است. یعنی عرفان همان شیعه و شیعه همان عرفان می‌باشد. از دیدگاه این‌ها گرچه عرفان و شیعه

در ظاهر باهم تفاوت دارد اما در روح باهم یکی می‌باشد. ازجمله کسانی که به این عقیده است سید حیدر آملی است که می‌گوید: «عارف حقیقی شیعه و شیعه حقیقی عارف می‌باشد.» (آملی، ۱۳۶۸، ص ۴۸)

آملی در جای دیگر نیز این مسئله نیز مطرح می‌نماید: «در میان فرقه‌های اسلامی کسی به اندازه‌ای شیعیان منکر فرقه صوفیه و صوفیه منکر شیعیان نشده است.» در جای دیگر نیز از اصحاب و یاران پیامبر گرامی اسلام یاد می‌نماید که آنان زمینه‌ساز تصوف و عرفان اسلامی مخصوصاً عرفان تشیع بوده است؛ زیرا حسن بصری و اویس قرنی به خدمت امام علی علیه السلام بوده است. تعدادی دیگر از صوفیان چون بشر حافی، بایزید بسطامی، شقیق بلخی، ابراهیم ادهم، معروف کرخی، فضیل بن عیاض در نزد امامان بودند و شاگردی آنان را نموده است. (آقانوری، ۱۳۸۷، ص ۷۰)

اما دیدگاهی شهید مطهری به عرفان و تصوف دارد که هردو با برکنار از دیگر نمی‌داند. در مورد عرفان حقیقی عرفان و عرفان شیعی می‌نویسد: در میان شیعیان عرفای بودند که دارای سیر و سلوک و هیچ امتیازی با دیگران نداشتند، اما تعدادی نیز وجود داشتند که آداب زیادی از خود اختراع کردند بدعت‌ها را ایجاد نموده است. (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۶۲۹)

پازوکی در مورد هم‌ریشه‌ای تصوف و شیعه می‌نویسد: تصوف و شیعه همه ریشه هستند بر اصل ولایت و در دوران خلفای اموی و عباسی از هم جدا شدند و لوای علوی خود را فراموش و رنگ کلامی و فقهی به خود گرفتند. بعد از سرنوشت حکومت عباسی در قرن هفت چهره شیعی خود را آشکار کنند. (پازوکی، ۱۳۸۵، ص ۹۴)

در جای دیگر می‌نویسد: «از لحاظ پدیدارشناسی تصوف از سلاسل صوفیه برمی‌آید که قبولی ولایت امام علی علیه السلام به همان معنای امامت او که در آموزه‌های شیعی می‌باشد.» (پازوکی، ۱۳۷۹، ص ۶۴)

دلایل زیادی را اندیشمندان ارائه می‌نمایند، گروهی عرفان را جدای اسلام می‌داند؛ و برخی هم عرفان را عین تشیع دانسته است. برخی هم عرفان شیعی را بخشی از عرفان اسلامی می‌دانند. عده‌ی معتقد هستند عرفان عملی و نظری بعد از سید حیدر آملی دارای شاخه متمایز و با عنوان عرفان شیعی است. هرچند برخی هم معتقد است که عرفان شیعی به واسطه آقا محمد بیدآبادی در قرن دوازدهم صورت پذیرفته است. (کریاسی زاده اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۸)

زرین کوب دز این خصوص می‌نگارد: «آثاری سید حیدر آملی را در تقریر و تنسیخ مکتب ابن عربی و نشر و آثاری آن و مخصوصا متصوفه شیعی را نمی‌توان انکار نمود. زیرا نمی‌توانیم یک تابع تلقی نمود زیرا نقش او در آثار تحول تعلیم ابن عربی به عرفان شیعی می‌باشد.» (زرین کوب، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱)

مؤلفه‌های عرفان شیعه از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه عرفان شیعی دارای مؤلفه‌های زیادی می‌باشد که امام خمینی رحمته‌الله علیه برای عرفان تشیع برشمرده است عبارت است از: عبودیت، شریعت محوری، موافق با برهان، وحدت شخصی.

عبودیت: نیل و هدف عرفان شیعی رسیدن به مقام عبودیت می‌باشد. یکی از بزرگ‌ترین مقام است که به واسطه سیر و سلوک سالک الی الله عبدالله شدن می‌باشد، سالک الی الله می‌تواند از طریق مسافر از طریق عبودیت بوده که بالاترین کمال انسانیت می‌باشد، بدون عبودیت نمی‌توان به معراج حقیقی نائل شد (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۰)

شریعت محوری: امام خمینی رحمته‌الله علیه سلوک در عرفان تشیعی بر محور شریعت صورت می‌پذیرد، سیر و سفر تنها با باید و نباید و حیانی و الهی صورت پذیرفته می‌تواند، در این مورد اصلیت آن شریعت محمدی می‌باشد. (همان، ص ۸۰)

موافقت با برهان: امام در تبیین مشهودات خود از عقل مدد می‌گیرد، عقل و شهود را نفع نمی‌کند.

وحدت شخصی: عرفان بر گفتمان وحدت وجود توحیدی استوار می‌باشد. عرفان شیعی توحید محض و خدا گرایانه می‌باشد، زیرا در عرفان نظری به وحدت شخصی و در عرفان عملی ره لقاء الله یا فنا ی شهودی توجه می‌شود. (خمینی، ۱۳۸۶، ص ۶۵)

گفته می‌توانیم که میان تصوف، عرفان و تشیع رابطه تنگاتنگ است؛ که نمی‌توانیم یکی را بر دیگر نفع کنیم زیرا یکی بر دیگری رابطه ناگسستنی دارد. تنها در ادوار تاریخی تشیع از عرفان و تصوف مستقل بوده و نام آن هم مترادف با تصوف و عرفان استفاده نشده است. در حال که در طول تاریخ واژه عرفان و تصوف مترادف استفاده شده، اکثریت از بزرگان نیز آن را پذیرفته است؛ که حقیقت این دو یعنی تصوف را به معنای نزدیکی و عرفان را به معنا علم از جهت اسماء و صفات به حق تعالی دانسته است که عرفان تشیع را قلب

عرفان و تصوف اسلامی گفته می‌توانیم.

❖ عرفان مسیحیت

گروهی در قدیم در بین قوم بنی‌اسرائیل به نام قوم اسینیان شهرت داشته حدود هفت صد میلادی به شکل جمعی به عبادت و عزلت‌گزینی داشتند. به نماز روزه توجه خاص داشتند. مدتی زیاد از وقت خود را صرف عبادت و بندگی می‌نمودند. غذا و لباس ساده داشتند به همان اکتفا می‌نمودند زندگی زاهدانه داشتند، معتقد بودن که میل برادری و مساوات از فطرت انسان سرچشمه می‌گیرند. این‌ها تا زمانی حمله رومیان در میان یهودیان می‌زیستند. این‌ها در اصل شکل‌دهنده تصوف و عرفان مسیحیان بوده است. بعد از آن‌ها نهضت‌های شکل گرفت که نامی خاص و خود را دارد. (بستانی، ۱۹۹۲، ص ۶۸۷)

❖ علت شکل‌گیری عرفان در مسیحیت (ارتدکس)

دلایل زیادی را برای پیدایش عرفان مسیحی دانسته است، از جمله نگرش دوگانه به جسم و روح که جسم را نیک بد و روح را نیک می‌پنداشتند. از این رو تن را در این دنیا به عزلت و خواری نگهداریم تا روح پالایش یابد. بهترین کمی است که از لذایذ دنیایی چشم‌پوشی نماید تا به تکامل روحی برسند. ازدواج را تن دادن به غرایز حیوانی می‌دانستند از این رو از آن پرهیز می‌نمودند.

دلیل دیگر که باعث شکل‌گیری این مسئله شد، هرج و مرج امپراتوری روم است تا از خشونت و مسائل خلاف اخلاقی در امان باشند، جامعه را ترک کردند. (پیترز، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳-۱۲۵)

یکی از دلایل که گام بعدی برای شکل‌گیری عرفان کمک نمود تجمل‌گرایی رهبران کلیساها را دانسته است. برای که از این دنیا‌گرای بگریزند و در امان باشند و در اعتراض بر رهبران کلیساها به عزلت و زندگی زاهدانه دست زدند. این موارد جنبه‌های سیاسی نیز داشت که کمک نمودند نهضت‌های نیز تشکیل و حضور یابند. (ساتور، ۱۳۷۰، ص ۲۹۸-۲۹۶)

عرفان ارتدکس

در عرفان ارتدکس مبانی آن را سنت پدران آن تشکیل می‌دهد؛ که مطابق با کلیسا و کتاب مقدس و عرفان مسیحیت غربی وجه مشترک دارد. ولی همه اندیشمندان عرفان ارتدکس را دارای ویژگی معنویت در سنت ارتدکس را بخش جداناپذیر از حیات جامعه ارتدکس می‌دانند. عقیده دارند که معنویت همان عمل عبادت و خدمت به خدای زنده در همه از مراحل زندگی بشر و زندگی روزمره انسان‌ها در ارتباط با خدا می‌باشد؛ چنانکه در کتاب مقدس آمده است «هرچه می‌خواهی انجام بده اما در جلال الهی» (قرتبیان، ۲۰۱۰). معلوم است که همه اعمال مسیحیان عرفانی باشند؛ و لازم است هر تفکری هر کلمه، هر حرکتی، هر فعالیت بدنی و قلبی هدایت‌شده از طرف روح القدس می‌باشد. از این‌رو گفته می‌توان کل زندگی بشریت را عرفان پوشش داده است. (frieda, ۱۹۸۶, ۶۴)

یکی از چهره‌های مشهور و عارف ارتدکس معتقد است که خدا را می‌توانیم در همه مخلوقات دید می‌توانیم او در تجربه زندگی یافت، این منحصر به همه است؛ یعنی کسانی که همسر دارند و فرزند دارند مال زیاد دارند، در این کره خاکی زیست دارد اگر در غار و صومعه نباشد می‌تواند به حیات متعالی واصل شود او را می‌تواند بیابد. تنها چیزی می‌تواند باعث دوری انسان شود گناه است. از این‌رو چیزی که می‌خواهد باید گناه نکنیم. (Ursula king, ۹۹)

در حقیقت ما ملبس باللباس نورانی روح القدس ساکن شویم. گوی ما در خدا ساکن خواهیم بود. از این‌رو خدا و فرزند او از همین طریق و این لطف منور به نور الهی خواهیم بود و این است که به سعادت می‌رسیم.

قدیس ساروف نیز به این باور است که زندگی راستین در همان لباس روح القدس است؛ و این زمانی میسر می‌شود که مسیحی ایمان راستین را به خداوند داشته باشد. هر اعمال را انجام می‌دهد برای شکوه خدا و محبت برادران خود انجام دهند. (frieda, ۱۹۸۶, ۷۰)

عرفان ارتدکس تأملی قلبی را یکی از اهداف عرفان می‌داند؛ اما معتقد است این تأمل منحصر به یک گروه خاص نیست بلکه در دسترس عموم مؤمنان می‌باشد. نوزادان را در هنگام غسل تعمید موی پیشانی آنان را می‌تراشند که اغلب مسیحیان آن را انجام می‌دهد

که این امر ملازم شدن و مسیحی شدن با خدا وربانی شدن می‌باشد. بنا بر سنت ارتدکس تأمل عارفانه نیایش و احساس عمیق اتحاد با خدا از راهبان به همه عالم ارتدکس جریان یافته است. این جریان مربوط به راهبان بودن که تأثیر عمقی بر آموزه‌های مسیحی است که یک امری تاریخی نبوده بلکه در اعماق قلب انسان جستجو کرد؛ که با مسیح متولد می‌شود با او در صلیب می‌رود و رستخیز می‌کند. عده زیادی بوده است که می‌توانیم شاخص‌های و سلوک آنان را گزارش نمایم. خاستگاه عرفان ارتدکس را بایستی در شرق عالم مسیحی جستجو کرد. کسانی تأثیر در این امر تأثیرگذار بوده اصلاً در غرب عالم مسیحیت بوده در شرق نیز اثر گذاشته است. آنان عبارت از افراد چون کلمنت اسکندرانی، اریگن، پدران کپادوکیه، دیونیسوس آریوپاگی می‌باشد. (کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۳)

در قرن هفتم مرکز ثقل توجه عارفان بر نحوه الهی شدن انسان‌ها است. قبل از قرن چهارم این مطالب را افاده می‌نمودند «خدا انسان شد تا ما بتوانیم خالق شویم؛ خدا در نوع بشر متحد شد تا انسان بتواند تشبه به خدا پیدا نماید» تا قرن هفتم این مباحث در نزد عرفان ارتدکس مطرح بود. بعدها به واسطه ای ماکسیمون معترف، یحنای، کلیماکوس، سیمون الهی دان جدید، گریگوری پالاس بیشتر توجه شان بر مطالب دیگر قرار گرفتند.

ماکسیمون معترف کتاب نوشت شرح پدران ما و فصول چهارصدگانه درباره عشق نوشت. درباره اتحاد و خدا و عشق به آن چنین می‌گویند: «زمانی که ذهن در شوق کامل و اشتیاق وافر عشق خود به خداوند به بیرون از خود را می‌برد، هیچ درکی و شهودی از خود و اطراف خود و هیچ‌یک از مخلوقات ندارد؛ زیرا یکباره به نور ابدی واله‌ی منور می‌گردد و از هر چیزی که برخاسته آیت بی‌خبر می‌شود؛ همان قسم که چشم ظاهر به هنگام برآمدن خورشید هیچ ستاره‌ای را نمی‌بیند. در دعا و مناجات ذهن به سبب نور ابدی واله‌ی بی‌اثر می‌ماند و در کار فرومی‌افتد و دیگر نه از خود خبر دارد و نه از هیچ‌یکی از موجودات». از دیدگاه او ذات خدا قابل شناخت نیست، می‌توان از صفات و از طریق محبت او را بشناسیم. وجود انسان نیز واسطه میان خدا و جهان است. می‌توان از طریق مسیح به او رسید.

یوحنا نیز در کتاب نردبان بهشت خویش بیست نه گام یا مقام را برای عرفا تبیین می‌نمایند که نخست با ترک متاع قلیل دنیا و فرار از جهان آغاز می‌شود به بیست نهم که اصل طمأنینه نام دارد که آن را چین بیان می‌نماید: «در این مرحله سالک بدن خود را از

همه آلودگی‌ها پیراسته از به‌نجوی که فسادى دران راه ندارد قلب چنین انسانى فراتر از همه مخلوقات».

اکثریت عارفان ارتدکس اعتقاد به اتحاد دارند و نور محبت نیز در نزد آنان حائز اهمیت است که سیمون بیان می‌نماید: «الگوی موسی و تجربه او در سینا نبود بلکه تجلی عیسی بود در آن کوه تبلور نموده بود که خدا را به واسطه نور شهود نمود.» کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۲

بحث تطبیقی

عرفان تشیع دارای سیری تاریخی است؛ که از عابدان، زاهدان و تصوف و به عرفان می‌انجامد. همچنان دلایل دارد که باعث رشد زهد گردیده است. علت اساسی آن چنگ زدند به ریسمان خداوندی و گریز از خواهشت نفسانی بوده در مرحله دوم آن همان تجمل‌گرایی رهبران سیاسی بوده که عده بر آنان خورده گرفته و از تجمل‌گرایی عزلت گزیدند. دلایل دیگری که تأثیر بر شکل‌گیری عرفان بود آیات از قرآن کریم است که می‌فرماید: «قل متاح الدنيا قليل والاخره خير لمن اتقى» یعنی «بگو سرمایه دنیا ناچیز بوده و آخرت با پرهیزکاران نیکوکاران نیکوتر بوده، بهترین سرمایه انجام اعمال نیک است که می‌تواند در آخرت دستگیری نمایند.» (نساء، ۷۷)

اما عزلت‌گزینی در قرون دوم هجری شکل گرفت به غار و صومعه پناه نگرفتند بلکه با جماعت بودند، اما از تجمل‌گرایی پرهیز می‌نمودند در میان مردم حضور داشتند، برای دیگران الگو نوعی راهنما بودند. بر کسی خورده نمی‌گرفتند. بیشتر وقت خود را صرف عبادت و نیایش حق تعالی می‌نمودند. در ضمن عرفان از تشیع است، چنان‌که اشخاص بودند که به تمام معنی عابد و زاهد و از جمله اصحاب نزدیک و از تابعین حضرت محمد ﷺ بوده است.

عرفان در تشیع به دو دسته تقسیم می‌شود عرفان عملی و عرفانی نظری که عرفان عملی با سیرو سلوک و جهاد با نفس به چنگ می‌آید. دارای مقامات نیز می‌باشد که از یقظه آغاز می‌شود تا به فنای بعد از بقا می‌انجامد یا مقام جمع‌الجمع نامیده می‌شود. عرفان نظری از اسماء و صفات خداوند تبارک و تعالی بحث می‌نماید. عرفان در تشیع دارای مؤلفه‌های اساسی است که می‌توان بر همان محورها می‌چرخند که عبارت از عبودیت،

شریعت محوری، موافقت با برهان، وحدت شخصی می‌باشد.

اما عرفان در مسیحیت ارتدکس نیز همانند عرفان تشیع دارای سیر تاریخی است؛ اما علت شکل‌گیری آن کمی متمایز با عرفان تشیع است. نخست حملات رومیان است که آنان را وادار به فرار رفتارهای غیراخلاقی به عزلت‌نشینی نمود و ثانیاً رهبران دینی به تجمل و دنیاگرایی پرداختند آنان برای اینکه نوعی از تجمل‌گرایی پرهیز نماید به صومعه‌ها و غارها پناه گرفتند به عبادت و نیایش پرداختند. بعدها نهضت‌های سیاسی و دینی را تشکیل دادند. در عرفان ارتدکس مبانی آن را سنت پدران آن تشکیل می‌دهد؛ که مطابق با کلیسا و کتاب مقدس و عرفان مسیحیت غربی وجه مشترک دارد. بنا همه اعمال مسیحیان عرفانی می‌باشند؛ و لازم است هر تفکری هر کلمه، هر حرکتی، هر فعالیت بدنی و قلبی هدایت‌شده از طرف روح القدس می‌باشد. تمام زندگی بشر را عرفان پوشانده است. تأملی قلبی را یکی از اهداف عرفان می‌دانند. اعتقاد به سیرو سلوک و عشق به خدا و فرزند خدا دارد همچنان بیست‌ونه گام را برای رسیدن به انسان متعالی طرح نموده است که نخست با ترک متاع قلیل دنیا و فرار از جهان آغاز می‌شود به بیست نهم که اصل طمأنینه نام دارد. باورمند به شهود نیز می‌باشند؛ که خدا را می‌توانیم با نورشهود نمود.

■ اشتراک

- ۱- عرفان تشیع و عرفان ارتدکس دارای سیری تاریخی است. هر دو قرن‌ها به طول انجامیده است تا شکل امروزی را به خود بگیرد، همچنان شریعت محور می‌باشد.
- ۲- عرفان تشیع و ارتدکس فرار از تجمل‌گرایی رهبران دینی و سیاسی بودن؛ که به عبادت و دعا بیشترین وقت را گذاشتند.
- ۳- عرفان تشیع مطابق شریعت عمل می‌نمایند و ارتدکس بر اساس کتاب مقدس مطابق با کلیسا عمل می‌نمایند.
- ۴- عرفان تشیع سالک بایستی مقامات را طی نمایند تا به مقام جمع‌الجمع برسند. در عرفان ارتدکس دارای گام‌های است که باید مطابق با آن عمل نمایند تا انسان متعالی شود.
- ۵- در عرفان ارتدکس همه مخلوقات شامل عرفان است. در تشیع نیز همگان تجلی حق‌اند.

❖ افتراق

۱- در عرفان تشیع سیر تاریخی آن از عابد شروع شده قرن‌ها به طول انجامید تا عرفان نظری و عملی شیعی را آشکار نمایند. درحالی‌که زاهدان اولیه کسانی بودند که از بطن جامعه و پیروان ویژه‌ای پیامبر گرامی اسلام بودند. در حال که در عرفان ارتدکس هم چنین چیزی نداریم بلکه به زاهدان به غارها و صومعه‌ها پناه گرفتند.

۲- در عرفان تشیع عرفان عملی و نظری داریم که در عرفان ارتدکس چنین چیزی را نداریم درست چند گام‌ها را برای عوام تبیین نموده است اما عرفانی نظری را در آن نداریم
۳- برخی تشیع را یعنی عرفان و عرفان را یعنی تشیع دانسته است. در ارتدکس چنین چیزی را شاهد نیستیم.

۴- عرفان تشیع با محوریت شریعت و طریقت و حقیقت می‌باشد. در ارتدکس همه رفتارها عرفانی پنداشته می‌شود.

❖ نتیجه‌گیری

عرفان عبارت از معرفت بر حالت گفته می‌شود که توصیف نمی‌توان از آن کرد. در آن حالت برای انسان این احسان دست می‌دهد که ارتباط مستقیم و بی‌واسطه باوجود خداوند یافته‌اند. برای کسانی که به چنین معرفت دست می‌یابد عارف گفته می‌شود که در عرفان ارتدکس نیز به آن انسان متعالی می‌گویند.

عرفان در تشیع دارای سیر تاریخی منظم می‌باشد که از پیروان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ آغاز شده تا به عارفان امروزی رسیدند. عرفان تشیع به‌خودی‌خود شکل نگرفته بلکه از امامان و پیشوایان برای پیروان معرفی گردیده است. نمونه می‌توانیم نیایش‌ها و تضرع‌های که ما را سوق می‌دهد به عرفان حقیقی یعنی به مذهب شیعی. چنان‌که خداوند نیز در این مورد در قرآن کریم می‌فرماید: «چنگ بزنید به ریسمان خداوندی و تا از تباهی نجات یابید» همچنان که پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «من از میان شما می‌روم اما سه چیز را برای شما به میراث می‌گذارم اگر به آن چنگ بزنید گمراه نخواهید شد؛ قرآن، عترتم و سنت. بنا عرفان را ما از پیروان و جانشینان آن حضرت دریافتیم. درست است این در طول تاریخ دارای خم پیچ‌های زیادی را دیده تا برای ما رسید است.»

اما در عرفان ارتدکس هم دارای سیر تاریخی است. آنان نیز این عرفان را از سنت کلیسا و کتاب مقدس گرفتند که حواریون عیسی این متون مقدس را نوشتند. در اوایل دچار افراط‌گرایی نیز شدن منع ازدواج تا مانع رسیدن انسان به کمال می‌شود. گفته می‌توانیم عرفان تشیع و عرفان ارتدکس عرفان ناب هرکدام در همان ادیان می‌باشد؛ زیرا نوعی به وحدت شخصی باورمند است؛ و خداوند را غیرقابل شناخت می‌داند. تنها شناختن به واسطه صفات برای انسان‌ها میسر است.



منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سینا، (بی تا) اشارات و تنبیهان، تهران، نشر بلاغه.
۳. آقانوری، علی، (۱۳۸۷) عارفان مسلمان و شریعت اسلام. قم: ادیان مذاهب.
۴. آملی، سید حیدر، (۱۳۶۸) جامع الاسرار و منبع الانوار. تصحیح هانری کرین و عثمان اسماعیل یحیی. تهران.
۵. بستانی، پطروس، (۱۹۹۲). دایره المعارف بستانی، بی، جا.
۶. پازوکی، شهرام (۱۳۸۵) پارادوکس تصوف نزد استادان و شاگردان ملاصدرا. فلسفه، شماره ۱۲ - ۹۴.
۷. پازوکی، شهرام، (۱۳۷۹) تصوف و علوی گفتاری در باب سلاسل صوفیه به حصرت علی علیه السلام فصلنامه اندیشه، شماره ۱ - ص ۴۴
۸. پیترز، اف ئی، (۱۳۸۴). یهودیت مسیحیت و اسلام. مترجم حسین توفیقی. قم مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.
۹. جواد آملی عبدالله، (۱۳۹۳) ریحی مختوم، اسراء. بی جا.
۱۰. خمینی روح الله (۱۳۸۶). مصباح الهدایه. تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
۱۱. خمینی روح الله (۱۳۸۸). آداب الصلوه تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
۱۲. زرین کوب عبدالحسین، (۱۳۸۹). دنباله جستجوی در تصوف ایران. تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۳. زرین کوب عبدالحسین، (۱۳۹۴) ارزش میراث صوفیه، تهران انتشارات امیرکبیر.
۱۴. ساتور، جرج (۱۳۷۰) شش بال علم ترجمه احمد آرام، تهران انتشارات امیرکبیر.
۱۵. قیصری شرف الدین محمود (۱۳۵۷) رسایل قیصری. تهران، حکمت و فلسفه.
۱۶. کرباسی زاده اصفهانی، علی (۱۳۸۱) حکیم متأله بیدآبادی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. کرمانی، علیرضا، (۱۴۰۱) عرفان تطبیقی اسلام و مسیحیت. تهران، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
۱۸. محمدتقی، در جستجوی عرفان اسلامی. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم
۱۹. مطهری مرتضی، (۱۳۸۸) کلیات علوم اسلامی. انتشارات صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲) خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران، انتشارات صدرا.
۲۱. موحیدیان عطار علی (۱۳۹۷) مفهوم عرفان. قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۲. یثربی، سید یحیی، (۱۳۸۴). عرفان نظری: تحقیقی در سیر تکاملی و اصول و مسائل تصوف. قم،

انتشارات بوستان کتاب.

۲۳. یزدان پناه سیدیدالله (۱۳۸۹) مبانی و اصول عرفان نظری، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
۲۴. haddad frieda. Orthodox spirituality Monastic life.the ecumenical Review' ۱۹۸۶.
۲۵. Ursula king. Christian mystics their Lives and Lesgacies throughout the Ages.
۲۶. Ibn Sina, (Beta) Asharat and Tanbihan, Tehran, Balagha Publishing House.
۲۷. Aghanouri, Ali, (۱۳۸۷) Muslim mystics and Islamic law. Qom: Religions.
۲۸. Amoli, Seyyed Haider, (۱۳۶۸) Jame al-Asrar and Source of Al-Anwar. Edited by Henry Carbone and Osman Ismail Yahya. Tehran.
۲۹. Bostani, Petros, (۱۹۹۲). Bostani Encyclopedia, B, Ja.
۳۰. Pazuki, Shahram (۲۰۰۶) Paradox of Sufism among the teachers and students of Mulla Sadra. Philosophy, No. ۹۴-۱۲.
۳۱. Pazouki, Shahram, (۱۳۷۹) Sufism and Alawite speech about Sufi chains according to Hasrat Ali (peace be upon him). Andisheh Quarterly, No. ۱- p. ۴۴
۳۲. Peters, FE, (۲۰۱۴). Judaism, Christianity and Islam. Translated by Hossein Tawfighi. Qom Center for Studies of Religions and Religions.
۳۳. Javad Amoli Abdullah, (۲۰۱۳) Raheeq Makhtoum, Esra. out of place
۳۴. Khomeini Ruhollah (۱۳۸۶). Misbah al-Hadaye. Tehran, Imam Khomeini Editing and Publishing Institute (RA).
۳۵. Khomeini Ruhollah (۱۳۸۸). Adaab al-Salaweh, Tehran, Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini (RA).
۳۶. Goldsmith Abdul Hossein, (۱۳۸۹). A search sequence in Iranian Sufism. Tehran, Amir Kabir Publications.
۳۷. Zarinkoob Abdul Hossein, (۲۰۱۴) The Value of Sofia's Heritage, Tehran, Amir Kabir Publications.
۳۸. Sator, George (۱۳۷۰) Shesh Bal Alam, translated by Ahmad Aram, Tehran, Amir Kabir Publications.
۳۹. Kayseri Sharafuddin Mahmud (۱۳۵۷) Kayseri's letters. Tehran, wisdom and philosophy.
۴۰. Karbasizadeh Esfahani, Ali (۲۰۱۱) Hakim Motala Bidabadi. Tehran, Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
۴۱. Kermani, Alireza, (۱۴۰۱) Comparative mysticism of Islam and Christianity. Tehran, Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute

(RA).

۴۲. Mohammad Taqi, in search of Islamic mysticism. Imam Khomeini Educational and Research Institute of Qom
۴۳. Motahari Morteza, (۲۰۰۸) Generalities of Islamic Sciences. Sadra Publications.
۴۴. Motahari, Morteza (۱۳۶۲) Mutual services between Islam and Iran. Tehran, Sadra Publishing House.
۴۵. Mohdian Attar Ali (۲۰۱۷) The concept of mysticism. Qom, University of Religions and Religions.
۴۶. Yathrabi, Seyyed Yahya, (۲۰۰۴). Theoretical mysticism: a research on the evolution and principles and issues of Sufism. Qom, Bostan Kitab Publishing House.
۴۷. Yazdan Panah Seydidullah (۱۳۸۹) Basics and Principles of Theoretical Mysticism, Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA).





پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی